

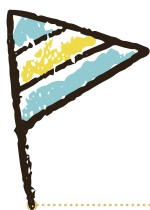
آتنا حسین پور معلم شهرماست که با نویسندگی و کارگردانی دختران هنرمند را روی صحنه تئاتر می برد

هنر با چاشنی دین و زندگی

۴ تئاتر مناسبتی را با تیمی از دانش آموزان در این مدارس نویسندگی و کارگردانی کرده است. داستان تئاتر نویسی آتنا و کار با دانش آموزان ادامه داشت تا اینکه از طرف دبستانی دعوت به کار شد و رخت معلمی را به صورت رسمی بر تن کرد. حالا او هم معلم مدرسه و هم نویسنده، کارگردان و مدرس تئاتر است.

مشهد بوده و فارغ التحصیل کارشناسی جامعه شناسی و کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی از دانشگاه فردوسی است. در حال حاضر به شغل شریف معلمی در مقطع دبستان مشغول است. از حدود سال ۱۳۹۲ در قالب فعالیت های دانشجویی با عنوان معلم تئاتر وارد مدارس می شود و در طول هرسال حدود

از دوران نوجوانی بازیگری تئاتر را آغاز کرده و در حال حاضر نویسنده، کارگردان و مدرس تئاتر است. آتنا حسین پور متولد ۱۳۷۲ در



پایان خجالتی بودن، روی صحنه تئاتر

درست است که الان هم خانم معلم است و هم کارگردان تئاتر منتهی زمان دانش آموزی دختر گوشه گیر و خجالتی مدرسه بود که هم وقت و تمرکزش روی درس و مشق بود و چندان اهل معاشرت با هم کلاسی ها نبود. تا اینکه در ۱۴ سالگی روزی از طرف مادرش که در یکی از مراکز بهداشت مشغول به کار بود، تشویق می شود تا در اجرای یک نمایش در محل کارش شرکت کند. در ابتدا تمایلی به این کار نداشت و بالاخره با اصرار مادرش توی نمایش رفت و توی ذهنش هم نبود که کارش چندان خوب باشد. این در حالی بود که بعد از آن اجرا، بازی اش با استقبال خوب مخاطبان روبه رو شد و همان تشویق و توجه ها باعث شده به این فکر بیفتد که تئاتر را جدی بگیرد. تصمیم دوران نوجوانی اش با تشویق معلم پرورشی همراه می شود و آتنا در کنار شرکت در مسابقات و نهج البلاغه در مسابقات تئاتر هم شرکت می کند. در این مسابقات هم که همراه با گروه شان بدون مربی حضور پیدا می کنند. اجرای موفق آن ها مورد توجه و تشویق داوران قرار می گیرد و تشویق می شود تا در این زمینه بیشتر فعالیت کند. از آن روز به بعد هم با هم گروهی هایش در مناسبت های مختلف در مدرسه تئاتر اجرا می کنند. تشویق ها و باز خورد های مثبتی که از دیگران می گرفته او را به این نتیجه می رساند که واقعا در این زمینه استعداد دارد و داستان تئاتر برایش جدی می شود. البته این موضوع که تئاتر باعث شده دیگر خجالتی نباشد و با

«باوان جان به زبان کردی یعنی جگر گوشه پدر. این تئاتر با موضوع حضرت رقیه (س) و داستان کر بلا بود. در این نمایش کلامی از حضرت رقیه (س) نام برده نشد اما داستان کر بلا را روایت کردیم و مخاطب با یک نگاه هنری با این داستان ارتباط گرفت. این نمایش آنقدر تأثیر گذار بود که یکی از تماشاچیان بعد از اتمام یکی از اجراها به من گفت: «پدرم شهید شده و تا امروز هیچ چیزی بعد از شهادتش این طور دل مرا نلرزانده بود.»

تشکیل گروه پروا با تقاضای والدین

ابتدای کار وقتی در مدارس آموزش تئاتر کار می کرده، استقبال والدین و دانش آموزان برایش جالب توجه بوده است. حتی بعضی از خانواده ها که با فضای تئاتر بیگانه بودند و آن را برای فرزندان خود مناسب نمی دیدند بعد از دیدن این نمایش ها نظرشان عوض شده است.

سر آغاز پروا

برایمان از شکل گیری گروه تئاتر پروا با مسئولیت خودش می گوید: «یادم هست نمایشی را با موضوع تولد تاشهدات حضرت زهرا (س) که اقتباسی از کتاب «کشتی پهلو گرفته» آقای سید مهدی شجاعی بود روی صحنه داشتیم که دانش آموزان این نمایش را پیش می بردند. در پایان اجرا او کنش مثبت والدین،

